



یادداشت

جواد کلیدری

آشفته بازار شعر خراسان

انتخابات انجمن و باقی قضا!؛

این روزها و هفته‌ها، جامعه‌ی شعری خراسان رضوی در تب و تاب تعیین هیئت‌موسس شورای سیاست‌گذاری شعر خراسان رضوی است. عصر پنج شنبه، مورخه‌ی ۱۳۸۸/۵/۱، نگارخانه‌ی میرک مشهد، مجمع از شاعران و البته خلیل ناشاعران را دور هم جمع کرده بود تا درباره‌ی آینده‌ی شعر این دیار، هم‌اندیشی کنند. نمی‌خواهم گزارش آن جلسه‌ی کذایی را بنویسم؛ زیرا آن‌ها که بودند، خود دیدند و آن‌ها هم که نبودند، از حاضران شنیده‌اند که چه گذشت!

خلاصه‌ی کلام این که در روز قبل از این نشست، برای تعداد محدودی از شاعران، پیامکی ارسال شده بود و آن طور که مسئولان می‌گفتند؛ قبل از آن هم در روزنامه‌های محلی استان اطلاعیه‌ای مبنی بر برگزاری چنین جلسه‌ی مهمی منتشر کرده بودند اما تعداد حاضران حدود ۵۰ نفر بود که تو خود می‌توانی حدیث مفصّلی بخوانی از این مجمل! مسئولان اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و شخص مدیر کل آمده بودند تا در غیاب چهره‌های مطرح شعر خراسان و باهمان جمع اندک، سر نوشت شعر استان را مشخص کنند. در ابتدا جناب مصطفی‌زاده که این انتخابات را کارگردانی می‌کند، سعی کرد چهره‌ای از جناب مدیر کل نشان دهد که بسیار دلسوز شاعران و شعر و جامعه‌ی ادبی است اما بلافاصله اندک شاعران حاضر، هم از سیاست‌های او در این چند سال انتقاد کردند و هم از شورای شعر مصلحتی او، خوشبختانه نشست بدون نتیجه به پایان رسید تا سر نوشت انتخابات تا عصر پنج‌شنبه مورخه ۱۳۸۸/۵/۱۵ در تالار مجتمع امام رضا(ع) موکول شود.

یادمان نرفته‌است که در نخستین روزها و ماه‌های حضور مدیر کل در این مجمع، در یکی از روزهای ماه رمضان سال ۱۳۸۱، و در یک افطاری باشکوه، در محل هتل الغدیر، جمع اندکی از شاعران و البته باز هم جمع کثیری از ناشاعران جمع شده بودند تا همین انتخابات را برای مشخص شدن اعضای شورای شعر خراسان برگزار کنند و من که آن روزها در هفته‌نامه‌ی شهر آرقلم می‌زدم، با خرسندی، ضمن شرح گزارش آن جلسه، به عنوان: «نگاه دار، جوان‌ها بگو سوار شوند مورخه‌ی یک شنبه، ۱۷ اذر ۱۳۸۱» خوشحالی عمیق خود را از این حرکت دم‌وکراتیک ابراز داشتم اما خیلی زود روشن شد که آن افطاری و آن نشست، یک سیاه‌بازی ساده بیش نبوده‌است؛ زیرا اعضای این شورا که مشاوران ادبی مدیر کل هم قلمداد می‌شدند، آن طور که شنیده شد، توسط یکی دیگر از به اصطلاح شاعران به یحسان معرفی شده‌اند. شورا کار خود را آغاز کرد، جلسات شعر خوانی شعرهای پنج‌شنبه از سر گرفته شد، جشنواره‌ی موضوعی برگزار شد… و سبک‌ی فعالیت‌های دیگر اما هیچ‌یک از این اقدامات یا به نتیجه‌ن رسید، یا خوشایند شاعران خراسان نبود؛ چرا که این جمع، منتخب مدیر کل بود، نه آنان. به طور مثال: طی این ۷ سال، نشریه‌ی «تاریک» که قرار بود به صورت مستمر چاپ شود، جز یکی یا دو پیش شماره، آن هم موضوعی، دیگر منتشر نشد. مهمانی که قرار بود هر ماه یا هر فصل به دعوت این شورا در مشهد حضور یابد، جز یک یا دو مورد، دیگر خبری در نداشت. جلسات شهرستانی که قرار بود ماه یا فصلی یک بار در یک شهرستان برگزار شود، جز یک مورد برگزار نشد. هیچ کتابی مبنی بر حمایت از شاعران جوان منتشر نشد! که حداقل می‌شد مانند کتاب «نامه‌ی اهل خراسان» مجموعه‌ای برای معرفی شعر خراسان به دیگر مناطق چاپ و منتشر شود! شب شعر یا جشنواره‌ی شعر مستقلی یا پنج‌شنبه از سر گرفته شد و جشنواره‌ی شعر خراسان بود با موضوع مشخص، و روشن است که همه‌ی شاعران، شعر موضوعی کار نمی‌کنند و همین امر باعث شد تا بسیاری از شاعران طی این سال‌ها در هیچ شب شعری، شعر نخوانند و به نوعی از جریان شعر معاصر خراسان کنار گذاشته شوند. بی‌انصافی نباشد یک نیمه حرکت مثبتی انجام شد و آن خرید تعدادی کتاب از شاعرانی که کتاب چاپ می‌کردند، بود، همین‌ا دو سال بعد از افطاری هتل الغدیر بر بنده در یادداشتی دیگر، عملکرد ضعیف این شورا را در هفته‌نامه‌ی آرذی بهشت با عنوان: «آشفته بازاری به نام شعر خراسان»، امورخه‌ی سه‌شنبه، ۲۶ خرداد ۱۳۸۳] و دیگری: «پیدا کن پر قنار فروش را»، امورخه‌ی سه‌شنبه، ۱۲ آبان ۱۳۸۳] نوشتم و ضمن گفتگوهایی که با اعضای شورا و مسئولان ارشاد داشتم؛ مشخص نشد که بالاخره کوتاهی از سوی چه کس یا چه کسانی است؟!

اکنون صحبت بنده با کسانی است که می‌خواهند عملکرد ۷ ساله اخیر اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد خراسان رضوی را در خصوص شعر، مثبت معرفی کنند. آقایان! ۷ سال گذشت و آقای مدیر کل در این مدت کجا بودند؟ مگر قرار نبود همین انتخابات در بدو ورود ایشان برگزار شود؟ چرا برگزار نشد؟! اعضای شورای سیاست‌گذاری شعر خراسان – که اتفاقاً تمامی آن‌ها از دوستان و عزیزان بنده هم هستند- چگونه انتخاب شدند؟ چرا در این مدت جناب مدیر کل، آن همه انتقاد از سوی شاعران را نشنیدند؟ چگونه است حالا که دوران خدمتش در این سمت به پایان رسیده و یک‌سال هم گذشته‌است، به‌فکر سر و سامان دادن به وضعیت آشفته‌ی شعر خراسان افتاده‌است؟ عملکرد ضعیف و بیمار مدیران هر مجموعه‌ای از دید بیدار مردم پنهان نمی‌ماند. چطور می‌شود که از تیراژ ۱۰۰۰ جلد کتاب یک‌نویسنده، تنها ۱۰۰ جلد، آن هم با تخفیف ۵۰ درصد خریداری می‌شود و از نویسنده‌ی دیگر، هر ۱۰۰۰ جلد؟ یا این است فرهنگ دوستی؟ این است مدیریت؟

مدت‌ها بود که برگزاری انتخابات شعری! خراسان یکی از دغدغه‌های اصلی شاعران این آب و خاک شده بود و حال که مسئولان هم به این امر گردن نهاده‌اند، آیا شکل برگزاری انتخابات این است؟ آیا شاعران خراسان (یادمان باشد که خراسان رضوی فقط مشهد نیست) همان ۵۰ نفرند یا اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد خراسان توانایی برقراری ارتباط با شاعران استان خود را ندارد؟ مگر شورای شعر در مدت ۷ سال فعالیت نفس گیر، نمی‌توانست بانک اطلاعات شخصی شاعران را تهیه کند یا مشکل تلفن و پیامک و فلان و فلان است؟ سعیدی علیه‌الرحمه گفت:

زبور درشت بی‌مروت را گوی
باری جو عسل نمی‌دهی، نیش مزن
امروز شاعران خراسان و جریان شعری این سرزمین دیرپای، با گاهی از پیشینه‌ی شعری خود، بر این باورند که جایگاه شعر استان نه این است که هست و خواهند رسیدن به جایگاه از دست‌رفته‌ی خود می‌باشند. به امید برگزاری انتخاباتی پرشور و سالم و ترقی‌ش شعر خراسان.

## نیستان/هنر

وحید حسینی

در کشوری مانند ایران که در ساختار دانستگی آن عملاً رسته‌ی ادبیات داستانی جایگاهی ندارد، چهار سال است که در دو یا سه شهر این رشته پایه‌گذاری شده است اما مشکلاتی همچون نداشتن استاد متخصص، عدم تدوین منابع درسی، فقدان دوره‌ی ارشد و… آن را به رشته‌ای خنثی بدل کرده است که در فرصتی دیگر می‌کوشیم به آن بپردازیم. نشست‌های داستان خوانی و نقدداستان تالان از ما می‌تواند، این خلارا پر کند. مشهد به عنوان قطب بزرگ ادبیات ایران نیز از این امر مستثنی نیست اما مدتی است که ر کودی عجیب بر این جلسات سایه انداخته‌است؛ بیشتر نشست‌های غیردولتی تعطیل شده‌واز نشست‌هایی که تحت حمایت نهاد‌های دولتی همچون اداره‌ی ارشاد هستند، شاید تنها مورد اندکی فعال مانده باشند. شایان توجه است که این نشست‌های باقی‌مانده نیز باستقبالی که از هنر جوان و علاقه‌مندان انتظار می‌رود، روبه‌رو نمی‌شود. سرویس ادب و هنر شهر آرا برای بررسی نقش این جلسات در داستان‌نویسی مشهد و آسیب‌های رودرروبان سراغ این افراد تسد اماشاه. جعفرنیا به عنوان شخصی که سال‌هاست نقش پررنگی در راه‌اندازی و اطلاع‌رسانی برای نشست‌های ادبی مشهددارد. فاطمه‌خلخالی استاد،عضوشورای مرکزی انجمن غیردولتی داستان‌نویسان ماتیکان؛ بهروز رحیمی مسئول برگزاری نشست های نقد داستان حوزه‌ی هنری مشهد و حسین لعل بذری مسئول برگزاری نشست‌های نقد داستان کانون هنرمندان خراسان رفته و دیدگاه‌های ایشان را در این رابطه جویا کرده‌است.

**از موارد مهمی که به عنوان آسیب‌ی برای این جلسات یاد می‌شود سطح دانش افرادی ست که به عنوان کار شناسان و یا مدرس جلسه مطرح می‌شوند:**

**جعفرنیا:** مشکل این است که دولتی‌ها افرادی از خودشان را برای گرداندن جلسات می‌آورند که از لحاظ معلومات عمومی و شناخت داستان مشکل دارند. بنابراین دیگران از این قضیه استقبال نمی‌کنند، چرا که خود را جلوتر از آن افراد می‌دانند.

**رحیمی:** سبک‌ی افراد در جلسات به عنوان

## تا؛ راه تکرار بر خطا بستن!

**پیشنهادهایی برای شاعران در آستانه‌ی برگزاری انتخابات هیئت موسس انجمن شعر خراسان**



این انجمن و در پی آن تشکیل موفق این انجمن، پیش رو بنگاردار:
الف – تصویب «آیین‌نامه‌ی برگزاری انتخابات هیئت موسس انجمن شعر» که می‌بایست پیش از برگزاری این انتخابات به تصویب حاضران در جلسه برسد؛ تصویب این آیین‌نامه تا حد زیادی می‌تواند در کنار حضور ناظران انتخابات از باندبازی‌ها و حتی آقای جعفری، مدیر کل ارشاد خراسان را مسبب سوء مدیریت آقای دبیری می‌داند و آقای جعفری را نیز برای ایراد برخی نظرات که به عقیده‌ی ایشان «دروغ» است، سرزنش می‌کند.

بر هم خوردن جلسه‌ی انتخابات هیئت موسس انجمن شعر خراسان که با ترک اعتراض آمیز جلسه توسط شاعران رخ داد و آن هم در حضور اکثر مقامات ارشاد ارشاد استان و مشهد، نشانه‌ی شدت این اعتراضات نسبت به عملکرد ضعیف مدیران خراسانی در حوزه‌ی فرهنگ و ادب بود؛ با توجه به وجود این ضعف‌ها و همه‌ی کاستی‌هایی که موجب افزایش فساد مالی و اداری در بدنه‌ی فرهنگ و ارشاد را فراهم آورده است، پیشنهادات ذیل می‌تواند، راه‌های تازه‌ای را برای تصویب یک اساس‌نامه‌ی موفق برای انتخاب هیئت مدیره‌ی

به جلسه‌ی دیگر که تا به حال نرفته یا می‌گذارد، بیرون که می‌آید آن را بهبود می‌نماید و نقدها و نوشتن اعضایش را قبول ندارد.
**رحیمی:** مدتی که از برگزاری جلسه‌ی می‌گذرد، به جای این که دوستان آن را پرپارت‌تر کنند به فکر تشکیل جلسه‌ی به‌موازات آن می‌افتند این جلسات موازی که در جاهای مختلف تشکیل می‌شوند شبیه هم هستند و این باعث می‌شود افراد فکر کنند از جلسات دیگری بی‌نیازند.

**لعل بذری:** یک گروه که کار می‌کنند، گروه دیگر آن‌ها را قبول ندارند و در جلساتشان شرکت نمی‌کنند، چرا که آستانه‌ی تحمل و نقدپذیری ما پایین است.

**ایراد دیگری که برای نشست‌ها عنوان می‌شود؛ بازدهی پایین آن است:**

**جعفرنیا:** جلسات یکی پس از دیگری منحل شده‌اند و دلیل آن این است که مسئولان آن‌ها کتاب نمی‌خوانند، از نویسنده‌ها برای نقد کتاب‌هایشان دعوت به عمل نمی‌آورند و برای شرکت‌کننده‌ها چیزی جز حرف‌ها و نقدهای کلیشه‌ای و تکراری ندارند. صدای شرکت‌کننده‌ای که آمده داستان نویس شوداز همان اتاق جلسه‌فراتر نمی‌رود

# این نشست‌های بی‌حاصل!

**گزارشی پیرامون وضعیت نشست‌های «داستان و نقد داستان» در مشهد**



چرا که کارش راهیچ نهاده‌ی چاپ نمی‌کند.
**خلخالی استاد:** جلسات افراد را بیشتر منتقد می‌کند تا داستان نویس، یعنی دید آن‌ها آن قدر توسعه می‌دهد که بتوانند آثار خوب را از آثار بد تفکیک کنند و هر چیزی را که نوشته‌ند به عنوان داستان قالب نکنند. اگر این نشست‌ها بتوانند تاثیر مثبت بگذارند و داستان نویس را وادار به تلاش برای بهتر نوشتن کنند، مفید خواهند بود اما این اتفاق نمی‌افتد. جلسات بچه‌ها را تنبل یار می‌آورند و علاوه

بر آن باعث ترس آن‌ها از نوشتن می‌شوند چرا که آن‌ها با دیدن برخی نقدها دیگر نوشتن برای‌شان سخت می‌شود.
**لعل بذری:** گاهی اوقات که در جلسات داستان خوانی محض برقرار است، استقبال خوبی به عمل می‌آید، زیرا هر کس دوست دارد داستانش را برای دیگران بخواند و آن‌ها به نوشته‌ی او گوش بدهند. اما وقتی بحث مسائل فنی و شناخت عناصر پیش می‌آید تا اندازه‌ای تعداد شرکت‌کنندگان کم می‌شود. شاید بحث‌های تکنیکی برای دوستان سنگین است و شاید هم دوستان خیلی راضی به زحمت کشیدن برای داستان نیستند. نکته‌ی دیگر این که جلسات چارای بی‌فایده‌ی هستند تا وقته‌ای در روند نشست‌ها ایجاد شود.

نفری هستند که بیشترین آرای اخذشده را به خود اختصاص داده‌اند و نفر دیگر که آرای ششم و هفتم را به خود اختصاص داده‌اند به عنوان اعضای علی‌البدل به عضویت دائم هیئت نظارت اساس‌نامه در می‌آیند.
ماده‌ی چهار – سه عضو متغیر هیئت نظارت اساس‌نامه از طریق قرعه‌کشی از میان همه‌ی داوطلبان عضویت که آمادگی خود را در هر جلسه از نشست‌های شعری انجمن شعر اعلام می‌کنند، انتخاب می‌شوند و مدت اعتبار عضویت آن‌ها تنها تا نشست شعری بعدی انجمن اعتبار خواهد داشت و در هر جلسه‌ی شعری اعضای متغیر جدید جایگزین اعضای قبلی می‌شوند.

ماده‌ی پنج – کلیه‌ی افراد شرکت‌کننده در نشست‌های شعری انجمن شعر خراسان می‌توانند کاندیدای عضویت موقت در هیئت نظارت اساس‌نامه شوند.

ماده‌ی شش – کلیه‌ی جریان‌های ادبی، گروه‌ها یا انجمن‌های ادبی می‌توانند یک نماینده به عنوان عضو ثابت شورای نظارت اساس‌نامه به هیئت موسس معرفی کنند بدون این‌که در انتخابات یا قرعه‌کشی شرکت کنند منوط به این که اولاً نماینده‌ی آن گروه معرفی‌نامه‌ای با حداقل سیی امضا از شاعران یا اعضای انجمن خود داشته باشد و ثانیاً سه نفر از شاعران صاحب کتاب استان و یا دبیران جلسات مطرح ادبی و یا اساتید دانشگاه، ذیل این معرفی‌نامه را امضا کرده باشند.

تبصره: امضاکنندگان این معرفی‌نامه‌ها نباید عضو اصلی یا علی‌البدل هیئت موسس باشند.

ماده‌ی هفت – کلیه‌ی مصوبات بدوی هیئت موسس با رای پنج عضو اصلی صورت می‌پذیرد و سپس به رای مجمع عمومی گذارده خواهد شد.
ماده‌ی هشت – نحوه‌ی حضور اعضای هیئت نظارت در بحث‌ها و میزگردهای مشورتی هیئت موسس توسط اعضای اصلی مشخص خواهد شد اما حضور ایشان در این جلسات قطعی و لازم‌الاجرا است.

ب – گنجاندن موادی در اساس‌نامه‌ی پیشنهادی به مجمع عمومی که بتواند به استقلال و سلامت انجمن شعر بیفزاید و نیز نظارت این شورا را بر فعالیت‌های دولتی حوزه‌ی فرهنگ افزایش دهد به این ترتیب که به جای آن که ارشاد بر انجمن شعر و انجمن بر سایر شاعران نظارت کند این

کمک به تشویق و ترغیب فرد و ایجاد فضایی برای راحت‌تر نوشتن او می‌کنند، که خود افراد نیز باید زحمت لازم را متحمل شوند.

به نظر می‌رسد مسئولان ارشاد در مقایسه با شعر، تئاتر، سینما و… کم‌ترین توجه را به حوزه‌ی ادبیات داستانی دارند. برای نمونه اگر انجمنی مردم‌نهاد خواستار حمایت اداره‌ی فرهنگ و ارشاد مشهد برای فعالیت‌های حوزه‌ی ادبیات داستانی گردد، نخستین واکنش ارشاد سلب هویت مستقل و مردمی آن انجمن است؛ بدین ترتیب که فرمی پیش‌روی دبیران آن انجمن‌چه می‌گذراند و پیشنهاد می‌دهند که فعالیت‌های خود را زیر پوشش عنوان فرهنگ و ارشاد مشهد انجام دهند. رفتار این مسئولان در قبال انجمن‌های زیر پوشش خود نیز چندان مناسب دیده نمی‌شود:

**جعفرنیا:** ارشاد بود چه دار داوالم باید مشخص کند که بودجه‌ی داستان برای استان خراسان چقدر است تا بعد ببینیم هزینه‌ی کمک به انجمن‌ها چه اندازه است.

**لعل بذری:** برای برگزاری یک جلسه باید موافقت هزار نفر را بگیری؛ به‌مسئول ارشاد، معاون هنری و هزار نفر دیگر توضیح بدهی. اگر بخواهی نویسنده‌ای را به جلسه دعوت کنی جدای از هزینه‌های رفت و آمد، هتل و تغذیه باید بروی و استعلام بگیری تا طرف‌را آن‌ها تایید کنند. این بر اساس آیین‌نامه‌ی رسمی نیست یعنی به شما ابلاغ نمی‌کنند که این مراحل را باید طی کنی ولی بعد از این که یک نفر را به عنوان همهم می‌آوری می‌گویند چه کسی به شما گفت او را بیاورید؟!

**دوستان مادر پایان پیشنهادهایی نیز برای خروج از ر کود دامنگیر جلسات ارائه می‌دهند:**

**جعفرنیا:** ارشاد باید همه‌ی داستان‌نویسان راجع کند و بعد ما شورای داستان‌نویسان را از آن میان انتخاب کنیم.

**رحیمی:** باید برای جلسات پشتیبانی و خروجی داشته باشیم و امکانات بیشتری در اختیار دوستان بگذاریم. مثلاً اگر شرکت‌کننده‌ها را به اردو بوازید ببریم آن‌ها بافضاهای جدیدتری آشنا می‌شوند. آن‌ها می‌توانند حتی نویسنده‌های شهرهای دیگر را ببینند و یادبیدن فضاهای طبیعی زادگاه نویسندگان مطرح بپردازند که این فضاها چه تاثیری در نوشتن داستان‌هایشان داشته‌است.
**لعل بذری:** برگزار کنندگان جلسات باید بنشینند و آسیب‌شناسی کنند و ببینند چه مشکلاتی گریبانگر جلسات بوده‌است. از طرفی برای تداوم جلسات چارای بی‌فایده‌ی هستند تا وقته‌ای در روند نشست‌ها ایجاد شود.

شاعران باشند که بر فعالیت‌های انجمن نظارت کنند و انجمن به نوبه‌ی خود وظیفه‌ی دیده‌بانی و نظارت بر فعالیت‌های اداری ارشاد و حفظ حقوق و تحقق خواسته‌های شاعران و هنرمندان را بر عهده داشته باشد. از جمله‌ی این پیشنهادها می‌توان اشاره کرد به:

یک – حذف کامل و یا کاهش حداکثری دستمزد اعضای انجمن و در مقابل اختصاص کل بودجه‌ی انجمن شعر به فعالیت‌های ادبی و نیز تشکیل یک صندوق مالی برای حمایت از انتشار آثار شاعران دو – نظارت شورا بر کلیه‌ی هزینه‌کردهای اداره‌ی ارشاد در حوزه‌ی شعر به ویژه بررسی و اعلام بودجه‌ی دقیق تعیین شده از وزارت فرهنگ و ارشاد.

سه – متمرکز کردن کلیه‌ی عملیات برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه‌ی حوزه‌ی شعر فرهنگ و ارشاد در این انجمن

چهار – استفاده از مشارکت حداکثری کلیه‌ی شاعران و اعضای انجمن‌های ادبی استان برای حضور در جلسات این انجمن و نظارت بر فعالیت‌های آن به جای برگزاری جلسات پشت درهای بسته‌ی ارشاد و شورای شعر

پنج – دخالت دادن میزان تحصیلات آکادمیک و نیز کارنامه‌ی ادبی، هنری و اجتماعی افراد برای حضور در انتخابات هیئت مدیره

شش – ایجاد زمینه برای حضور کلیه‌ی جریان‌ها، سبک‌ها و نحله‌های ادبی در تصمیم‌گیری‌های عمومی حوزه‌ی شعر

هفت – و…

ج – رایزنی مستمر با شاعران، فرهیختگان و مسئولان فرهنگی؛ اعضای هیئت موسس می‌بایست در تمام مدت تدوین و تصویب اساس‌نامه با صاحب‌نظران حوزه‌ی فرهنگ به تبادل نظر بپردازد و تلاش کند، ضمن جلب احترام و اعتماد همه‌ی این افسراد راه را برای تصویب و اجرای اساس‌نامه‌ی استوار بگشایند اگر چه می‌بایست در این مسیر از تساهل و تسامح در برابر کسانی که قصد تخریب و ایجاد فساد در هسته و بدنه‌ی فرهنگی استان را دارند بپرهیزند که در هر صورت، حفظ و ارتقای حیثیت ادبیات و هنر به‌طور غیر قابل مقایسه‌ای مهم‌تر از موقعیت و جایگاه افراد است

و تلاش همه‌ی ما باید برای حفظ جایگاه واقعی ادبیات خراسان به ویژه شعر باشد و لا غیر…